



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۳ آبان ۱۴۰۰

مصادف با: ۱۸ ربیع الاول ۱۴۴۳

موضوع جزئی: مسئله ۲۶ - فرع اول: نظر زن به صبی ممیز - فرع دوم: پوشش زن در برابر صبی ممیز -

دلیل لزوم و بررسی آن - ادله عدم لزوم و بررسی آنها - دلیل اول

جلسه: ۱۵

سال چهارم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۲۶: «يجوز للمرأة النظر إلى الصبي المميز ما لم يبلغ، و لا يجب عليها التستر عنه ما لم يبلغ مبلغا يترتب على النظر منه أو إليه ثوران الشهوة على الأقوى في الترتب الفعلي و على الأحوط في غيره».

#### توضیح اجمالی مسأله

امام(ره) در مسأله ۲۶ دو فرع را مطرح کرده‌اند؛ یکی نظر زن به پسرچه ممیز و دیگری درباره پوشش زن در برابر پسرچه ممیز. در فرع اول می‌فرماید: «يجوز للمرأة»، برای زن جایز است که به پسرچه ممیز تا زمانی که به بلوغ نرسیده نگاه کند. در مورد فرع اول یک بخشی مربوط به نظر به عورت صبی ممیز است و یک بخشی مربوط به سایر اعضای بدن. در مورد نظر زن به عورت پسرچه ممیز قبلاً بحث کردیم؛ لذا آنچه در اینجا مدنظر است، نظر زن به بدن پسرچه ممیز است. پس فرع اول درباره نظر زن به پسرچه ممیز غیر عورت است.

فرع دوم درباره پوشش زن در مقابل چنین پسرچه‌ای است که امام(ره) می‌فرماید: «و لا يجب عليها التستر عنه ما لم يبلغ مبلغاً»، مادامی که به حدی نرسیده که «يترتب على النظر منه أو إليه ثوران الشهوة»، به حدی نرسیده که بر نظر به او و نظر از ناحیه او ثوران و هیجان شهوت مترتب شود. اینجا هر دو سو را مطرح کرده‌اند؛ یعنی هم نظر پسرچه ممیز به زن و هم نظر زن به پسرچه ممیز، و می‌گوید این عدم وجوب پوشش تا زمانی است که آن پسرچه ممیز به چنین حدی نرسیده باشد. اینجا دیگر نمی‌گوید ما لم يبلغ و این را تا حد بلوغ قرار نداده؛ حدش را تا جایی قرار داده که از این نگاه، تحریک شهوت و هیجان شهوت مترتب نشود. چون ممکن است پسرچه ممیز حتی قبل البلوغ به حدی برسد که از این نگاه لذت ببرد یا از نگاه کردن یک زن به او چنین لذتی را ببرد.

منتهی در ذیل مسأله امام(ره) بین دو صورت فرق گذاشته‌اند؛ در اینجا می‌گویند گاهی ترتب ثوران شهوت بر نظر، ترتب فعلی است؛ یعنی همان لحظه که نگاه می‌کند یا به او نگاه می‌شود، شهوت در او هیجان پیدا می‌کند. یک وقت ترتب فعلی نیست، ولی از این نگاه - چه از ناحیه خود او و چه از ناحیه زن - این امکان فراهم می‌شود که شهوت در او تحریک شود. یعنی یک ترتب شأنی دارد. در صورت اول امام(ره) فتوا داده‌اند که واجب نیست پوشش مادامی که ترتب فعلی شهوت بر نظر حاصل نمی‌شود؛ اما در ترتب شأنی احتیاط واجب کرده‌اند که لا يجب علیها علی الاحوط. این یک توضیح اجمالی راجع به متن مسأله ۲۶ بود. همین مسأله را مرحوم سید در عروه هم ذکر کرده‌اند که عرض کردیم در مسأله ۳۵ ایشان با عبارت دیگری متعرض این مسأله شده‌اند و تفکیک این مسائل صورت نگرفته است. در آنجا در قالب دو مسأله و به صورت کلی این احکام بیان شده

است.

## فرع اول

به هر حال فرع اول بحث چندانی ندارد؛ «يجوز للمرأة النظر إلى الصبي المميز ما لم يبلغ»، زن می تواند به بدن صبی ممیز تا زمانی که به بلوغ نرسیده نگاه کند. اینجا تارة طبق نظر بسیاری یا مشهور که نظر به مرد بالغ از سوی زن را جایز نمی دانند مطلب را بررسی می کنیم و اخیری طبق نظر خودمان.

### طبق مبنای مشهور

اگر به این نظر ملتزم شدیم که زن نمی تواند به مرد بالغ نامحرم نگاه کند، طبیعتاً در مورد صبی ممیز به چه دلیل باید بگوییم يجوز؟ چون در مورد مرد بالغ می گویند جایز نیست. اینجا به همان بیانی که در گذشته هم اشاره شد، باید بگوییم ادله حرمت نظر منصرف از صبی ممیز است؛ عدم مقتضی للحرمة، اینکه اقتضای حرمت در اینجا وجود ندارد؛ ادله ای که حرمت نظر را ثابت کرده - طبق نظر این آقایان - و می گوید زن باید چشمش را ببندد و به مرد نامحرم نگاه کند برخی از این ادله ممکن است به خود نظر مربوط باشد و یا از طریق ادله لزوم ستر به نوعی کسی بخواهد این را استفاده کند.

پس اگر کسی طبق این مبنا بخواهد اثبات کند جواز نظر زن به مرد را، راهش این است؛ یعنی طبق مبنای مشهور که قائل به عدم جواز نظر زن به مرد بالغ هستند، اینجا نسبت به صبی ممیز راه این است که بگوییم آن ادله شامل صبی ممیز نمی شود و از صبی ممیز انصراف دارد؛ یا اساساً با همان بیانی که گفته شد، عدم مقتضی للحرمة، مقتضای حرمت در اینجا وجود ندارد.

### طبق مبنای مختار

اما طبق مبنای ما که گفتیم نظر زن به مرد جایز است، به غیر از عورت و با کمی احتیاط بین السرة و الركبة؛ (عرض ما این بود که نظر زن به مرد اشکالی ندارد. لذا در مسابقات ورزشی و لباس هایی که به نحو متعارف در این مسابقات می پوشند، نظر کردن اشکال ندارد؛ البته به شرط اینکه لم یکن عن شهوة) قهراً اینجا بالاولویة می توانیم عدم جواز نظر به صبی ممیز را ثابت کنیم؛ یعنی وقتی می گوییم زن به مرد بالغ می تواند نگاه کند، به طریق اولی به مرد غیربالغ می تواند نگاه کند. یعنی از راه اولویت می توانیم این را ثابت کنیم. چون عرض کردیم آن ادله ای که آقایان برای حرمت نظر به مرد بالغ به آن استناد کرده اند، این ادله حرمت را در مورد نگاه زن به مرد بالغ ثابت نمی کند، چه برسد به اینکه بخواهد در مورد غیربالغ این را ثابت کند. بنابراین فرع اول بحثی ندارد و کاملاً روشن است.

## فرع دوم

عمده بحث در مورد فرع دوم است؛ یعنی مسأله پوشش زن در برابر صبی ممیز. منتهی حد آن مهم است؛ چون برای صبی ممیز می توان دو فرض تصویر کرد؛ تارة صبی ممیز به حدی نرسیده که شهوت او با نظر کردن به دیگری تحریک شود یا نظر کردن زن به او باعث تحریک شهوت او شود، و اخیری به این حد رسیده است. آنچه که اینجا به عنوان حد عدم وجوب پوشش در برابر صبی ممیز ذکر شده، آن است که نظر به او و نظر از ناحیه او، موجب ثوران شهوت نیست. آن فتوا و احتیاط وجوبی هم که امام در اینجا ذکر کرده را باید بعداً توضیح دهیم.

### دلیل لزوم پوشش

بعضی ها یک دلیل ذکر کرده اند مبنی بر اینکه اینجا هم پوشش واجب است. به بیان روشن تر دو نظر در اینجا وجود دارد؛ برخی

قائل اند به اینکه زن باید خودش را بیوشاند و کشف در برابر صبی ممیز جایز نیست. این عده فقط به آیه ۳۱ سوره نور تمسک کرده‌اند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ... أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ». آیه می‌گوید زن نباید زینت‌های مخفی‌اش را در برابر دیگران آشکار کند، مگر این افراد که یکی از آنها طفل غیرممیز است. منظور از «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» قدر مسلم طفل غیرممیز است؛ چون ممکن است «لم يظهروا على عورات النساء» را ملاک تمیز بدانیم، که قبلاً این را بحث کردیم و گفتیم این صحیح نیست. ولی قدر مسلم این هست که منظور از اطفال، اطفالی هستند که به سن تمیز نرسیده‌اند. پس مفهوم این قسمت از آیه آن است که اطفال ممیز لایجوز برای زن که در برابر آنها زینت خودش را آشکار کند؛ زینت‌های پنهان یعنی غیر از وجه و کفین، حق ندارد اینها را در برابر آنها آشکار کند. اینها می‌گویند بالاخره چون این مشتمل بر یک استثنا است، استثناء این گروه - آن هم با این وصف یعنی اطفال غیرممیز - نتیجه‌اش آن است که اطفال ممیز جزء همان حکم مستثنی منه هستند و لذا زن باید خودش را در برابر اینها بیوشاند.

سؤال:

استاد: منطوق به این معنا که می‌گوید «لایبیدین زینتهن ... طفل ممیز یک وصف است که در اینجا ذکر شده است؛ به این اعتبار می‌شود مفهوم وصف ... این استثنا یک وصفی را ذکر کرده است. ... اینکه این وصف آیا به عنوان خودش ذکر شده و غیر این اوصاف مشمول استثنا نیستند، ... از این جهت می‌شود مفهوم وصف ... بالاخره اینها اینطور گفته‌اند به عنوان اینکه این وصف ذکر شده، خواسته‌اند ... منتهی می‌گویند وصف در واقع دو نوع است؛ گاهی وصف برای احتراز عن الغیر است؛ و این مورد هم از همین قبیل است، لذا حکم شامل آن نمی‌شود و این استثنا شامل آن نمی‌شود.

#### بررسی

اشکالات این دلیل کاملاً روشن است. اگر ما در مقابل این دلیل و این آیه مقید و مخصصی نداشتیم که دلالت بر جواز کند، شاید می‌توانستیم به عموم «لایبیدین زینتهن» اخذ کنیم؛ اما مسأله این است که در مقابل این آیه، روایاتی داریم که از نظر سند هم صحیح هستند که این را در زمره ادله قول به عدم وجوب پوشش و جواز کشف ذکر خواهیم کرد. روایات صحیحی داریم که به روشنی دلالت می‌کنند بر عدم لزوم پوشش در برابر صبی ممیز. لذا این دلیل با توجه به اینکه این آیه تخصیص خورده و تقیید شده به آن روایات، نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. به غیر از آن روایات، حتی به سیره هم می‌توانیم استناد کنیم. این مطالب را بیشتر در هنگام بیان ادله قول دوم ذکر خواهیم کرد. لذا به نظر می‌رسد که این دلیل ناتمام است.

#### ادله عدم لزوم پوشش

اما در مقابل، برخی قائل به عدم وجوب پوشش شده‌اند. سه دلیل برای عدم وجوب پوشش زن در برابر صبی ممیز ذکر شده است.

#### دلیل اول

اولین دلیل همین آیه‌ای است که قائلین به لزوم پوشش به آن استناد کرده‌اند، می‌گویند به حسب ظاهر اگر ما باشیم و آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ... أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»، ظاهر این آیه آن است که آنچه از عدم جواز ابداء زینت استثنا شده، طفل غیر ممیز است. بنابراین ممیز مشمول آن حکم عام باقی می‌ماند و داخل در مستثنی منه که «لایبیدین زینتهن» شده و لذا حق ابداء زینت در برابر این اشخاص را ندارد. لکن در مقابل این آیه، دو روایت داریم که

براساس این روایات پوشش در برابر اینها لازم نیست.

سؤال:

استاد: این هم از نظر سند خوب است و هم دلالتش ... اینها هم بالاخره مربوط به همین مسأله است.

۱. یکی صحیحه اول بزنی است: «عَنِ الرَّضَاءِ (ع) قَالَ: يُؤْخَذُ الْغُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَهُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ وَ لَا تُغَطِّي الْمَرْأَةُ شَعْرَهَا مِنْهُ حَتَّى يَحْتَلِمَ»<sup>۱</sup>. امام رضا (ع) در این روایت دو حکم بر پسر بچه ذکر می‌کند؛ یکی اینکه در هفت سالگی نماز بخواند. اینکه این تکلیف و الزام به دوش پسر بچه می‌آورد، این در جای خودش صحبت شده که این چنین نیست. دوم، مسأله حجاب زن در برابر پسر بچه است؛ می‌گوید لازم نیست زن مویش را از پسر بچه بپوشاند تا زمانی که بالغ شود. آن زمانی که لازم است که خودش را در برابر آنها بپوشاند، زمان بلوغ است.

۲. باز هم از بزنی روایت دیگری نقل شده که این هم صحیحه است: «عَنِ الرَّضَاءِ (ع) قَالَ: لَا تُغَطِّي الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا مِنَ الْغُلَامِ حَتَّى يَبْلُغَ الْغُلَامُ»<sup>۲</sup>. براساس این روایت لازم نیست زن سرش را از پسر بچه بپوشاند تا زمانی که بالغ شود.

با توجه به این دو روایت، می‌توانیم اطلاق آن آیه را تقیید بزنییم. می‌گویند آیه اطلاق دارد؛ می‌گوید زن باید بدن و سرش را در مقابل همه به جز صبی غیر ممیز بپوشاند؛ یعنی ابداء الزینة الباطنة تنها در برابر صبی غیر ممیز جایز است. پس این اطلاق دارد؛ زن باید خودش را در برابر دیگران چه بالغ و چه صبی ممیز بپوشاند. لکن این دو روایت اطلاق آن آیه را تقیید می‌کند و از بین می‌برد؛ کأن می‌گوید زن تا زمانی که پسر بچه بالغ و محتلم نشده، در برابر او پوشیدنش لازم نیست. مقید می‌کند اطلاق آیه ۳۱ سوره نور را و به این سبب می‌توانیم بگوییم لازم نیست زن در برابر صبی ممیز پوشش داشته باشد. البته این بیانی است که مرحوم آقای خویی در اینجا ذکر کرده‌اند که مقتضای جمع بین این دو روایت و آیه، تقیید اطلاق آیه است که نتیجه‌اش این می‌شود که کشف جایز است و تستر مرأه تا زمانی که صبی به سن بلوغ نرسیده، واجب نیست.<sup>۳</sup>

سؤال:

استاد: اطلاق آیه می‌گوید به طور کلی زن باید از غیر ممیز خود را بپوشاند ... لم يظهروا أي لم يطلعوا، ... می‌گوید اینها خارج شده‌اند ... لم يظهروا را گفتیم أي لم يطلعوا، که مسلماً به غیر ممیز اشاره دارد. بله ظاهرش منع است؛ اطلاق آیه این است که زن در برابر غیر ممیز مطلقاً باید خودش را حفظ کند و خودش را بپوشاند. اما چون این دو روایت را داریم، می‌گوید پسر بچه تا زمانی که به بلوغ نرسیده، لازم نیست زن خودش را در برابر او بپوشاند. لذا اطلاق آیه تقیید می‌خورد به این دو روایت. ... اشکال به چیست؟ ... ایشان فرموده و ما بعداً بررسی می‌کنیم. مقتضای جمع بین این آیه و این دو روایت این است؛ الان مشخصاً شما به این دلیل اول بر عدم لزوم تستر اشکال دارید؟ ... همیشه در اطلاق و تقیید یک تعارض بدوی وجود دارد. ... مقتضای آیه این است که تستر در برابر مطلق غیر ممیز لازم است. این معنای آیه است. اینجا این دو روایت در واقع اینطور گفته که غلام، پسر بچه، تا زمانی که کأن تحریک شهوت در او نشود، ... لذا در برابرش ما این روایات را داریم.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۲۹، باب ۱۲۶ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۳.

۲. همان، ح ۴.

۳. شرح عروه، ج ۳۲، کتاب النکاح، ص ۷۰.

دو دلیل دیگر در اینجا وجود دارد. دلیل دوم آیه استیذان است که احتیاج به یک توضیح دارد؛ دلیل سوم را هم بعداً خواهیم گفت. این سه دلیل را باید راجع به اصل حکم باید ذکر کنیم و بعد بررسی کنیم که آیا این ادله تمام است یا نه، آن وقت برویم سراغ تقییدی که در ادامه متن فرمودند و آن تفصیلی که بین دو صورت ترتب فعلی و غیر آن داده‌اند.

«والحمد لله رب العالمین»